



نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوانان نامی قرون هفتم، هشتم و نهم ایران زمین

علی کروکی^۱

۱ دانش‌آموخته دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. نویسنده مسئول: ali.korouki@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها	تحقیق حاضر با هدف توصیف نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوانان ایران زمین در قرون هفتم، هشتم و نهم هجری قمری انجام شده است. این پژوهش از نظر روش، توصیفی - تحلیلی بوده و به شیوه اسنادی، با تکیه بر نوشته‌های موجود در منابع اولیه و کتب تاریخی، انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق، پهلوانان قرون هفتم تا نهم هجری قمری هستند که افزون بر پهلوانی و ورزش، در ویژگی‌هایی خاص الگو و زبانزد روزگار خود بوده‌اند. این پهلوانان عبارت‌اند از: علیشاه بمی، پوربای ولی، فیله همدانی، درویش محمد، اسد کرمانی، عبدالرزاق بی‌هقی، محمد ابوسعید، محمد مالانی و مفرد قلندر. به عنوان نمونه، پهلوان اسد کرمانی در دینداری، عیاری و شجاعت نمونه بارز آن زمان بوده و همچنین رهبری قیام و نهضت سربداران را بر عهده داشته است. یا پهلوان درویش محمد، همان‌گونه که فردی یتیم‌نواز و باتقوا بوده، شاعری توانا و سخندانی برجسته نیز به شمار می‌رفته است. نمونه‌های بارز فرهنگی این پهلوانان از دل کتب تاریخی شناسایی شد و یافته‌ها نشان داد که پهلوانان مورد نظر، هم از نظر ویژگی‌های فرهنگی و هم در عرصه پهلوانی و کشتی، جایگاه اسطوره‌ای داشته‌اند. هر یک از این پهلوانان، ویژگی‌های منحصر به فردی داشتند که در زمان خود زبانزد مردم بوده است.
واژگان کلیدی	
نمونه‌های بارز فرهنگی	
پهلوانی	
ایران	
کشتی	
اخلاق	

استناد: کروکی، علی (۱۴۰۴). نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوانان نامی قرون هفتم، هشتم و نهم ایران زمین. باستان‌شناسی ایران، ۱۵ (۱)، ۱-۱۲.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1191004>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه باستان‌شناسی ایران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.



Prominent Cultural Examples of Renowned Champions in the Seventh, Eighth, and Ninth Centuries of Iranian Lands

Ali Korooki ^{1✉}

1. PhD in Sports Management, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. Corresponding author: ali.korooki@gmail.com

Article Info

History

Received: April 18, 2025

Accepted: June 28, 2025

Keywords

Prominent cultural examples

Heroism

Iran

Wrestling

ethics

Abstract

The present study aims to describe the prominent cultural examples of champions of the Iranian lands during the seventh, eighth, and ninth centuries AH. This research is descriptive-analytical in method and was conducted documentarily, relying on writings found in primary sources and historical books. The statistical population of the study consists of champions from the seventh to the ninth centuries AH, who, in addition to their prowess in wrestling and sports, were distinguished by particular traits that made them exemplary and renowned figures of their time. These champions include: Alishah Bami, Pourya-ye Vali, Fileh Hamadani, Darvish Mohammad, Asad Kermani, Abdolrazagh Beyhaqi, Mohammad Abusaeid, Mohammad Malani, and Mofrad Qalandar. For instance, Asad Kermani was a prominent example of piety, chivalry, and bravery of his era and also led the Sarbedaran uprising and movement. Similarly, Darvish Mohammad, besides being an orphan's supporter and a pious man, was recognized as a skilled poet and an outstanding orator. The prominent cultural examples of these champions were identified from historical books, and the findings showed that these champions held a mythical status both culturally and in the realm of wrestling and heroism. Each of these champions possessed unique characteristics that made them famous among the people of their time.

Citation: Korooki, A. (2014). Prominent Cultural Examples of Renowned Champions in the Seventh, Eighth, and Ninth Centuries of Iranian Lands. *Archaeology of Iran*, 15(1), 1-12.

<https://doi.org/10.82101/aoi.2025.1191004>

© 2025 Authors, *Archaeology of Iran*, Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch.

مقدمه

در میان کشورهای آسیایی، ایران باستان تنها کشوری بود که در نظام آموزشی خود، ورزش و تربیت بدنی را به عنوان اولویت اصلی در نظر می‌گرفت. در حالی که چینی‌ها به ورزش توجه چندانی نداشتند و هندوها گاه فعالیت‌های بدنی را مذموم می‌دانستند، ایرانیان اهمیت توانایی‌های جسمانی و سلامت بدن را به عنوان ابزاری حیاتی و ضروری برای تربیت ارتشی قدرتمند و پیروزمند درک کرده بودند (یزدی، ۱۳۹۰).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مطالعات تاریخی و فرهنگی، تبیین سرگذشت صورت و سیرت یک موضوع در بستر زمان است؛ به گونه‌ای که صورت و محتوای گذشته، نقاط عطف، عوامل مؤثر در تحولات، تأثیرپذیری فرهنگی و وضعیت کنونی آن آشکار شود. این مطالعات ویژه اقوامی است که عزم دگرگون کردن ساختار فرهنگی و مادی حیات خود را دارند و تصویری مطلوب و آرمانی در پیش روی خویش ترسیم کرده‌اند و بر آن‌اند که با تحول بخشی گام به گام، به وضع مطلوب برسند. مطالعات بنیادی و تجارب تاریخی بیانگر آن است که امر تربیت بدنی، نه به عنوان بازی و سرگرمی، و نه صرفاً به عنوان فرایندی برای نیرومندسازی جسم، بلکه به عنوان مجموعه‌ای درهم تنیده با اعتقاد و فرهنگ، جایگاهی ویژه در میان ایرانیان داشته است. نحوه حضور ورزشکاران در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی این ملت نیز گواه همین امر است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱).

پهلوان امین مردم و جامعه است؛ او دشمن ظالم و یاور مظلوم است، از این رو به دیگران زور نمی‌گوید، آنچه را حقش نیست به زور نمی‌گیرد و برعکس، حق ستمدیده را با نیروی خود باز می‌ستاند (تاجریان، ۱۳۸۷). در تاریخ ایران زمین، جماعت بسیاری ادعای صفت پهلوانی داشته‌اند و گاه نهادی اجتماعی بر این پایه بنیان نهاده‌اند، اما صحت و سقم این ادعاها را برگ‌های پر شمار تاریخ روشن می‌کند. عیاران، شطاران، شاطران، باباشمل‌ها، داش‌مشدی‌ها و لوطیان همگی از مدعیان این صفت بوده‌اند. آیین فتوت و جوانمردی جریانی است که ریشه در باورهای کهن مذهبی و منش اخلاقی ایرانیان باستان دارد و در مسیر پرفراز و نشیب تاریخ

این سرزمین، همواره خصلت پهلوانی و نیرومندی از صفات ممدوح ایرانیان بوده است (شهبازی، ۱۳۹۳).

ورزش باستانی در میان ورزشکاران به احترام و ادب شهره است، تا جایی که تمام حرکات با کسب اجازه انجام می‌شود. شعار این ورزش «پرورش روح و جسم» است و شیعیان زورخانه را مسجد دوم خود می‌دانند. آداب و سنت‌هایی که با پیروی از پهلوانان و دلاوران افسانه‌ای دوره باستان و از پیشوایان نخستین شیعیان و جوانمردان شکل گرفته، خلق و خوی مردانگی، مروت و جوانمردی را در ورزشکاران تقویت می‌کند. این فضایل در قالب شعر و داستان‌های آهنگین، همراه با ضرب زورخانه‌ای توسط مرشد، برای برانگیختن ورزشکاران در هنگام تمرین خوانده می‌شود. ورزشکاران نیز با نواختن مرشد، حرکات گروهی یا فردی را به نمایش می‌گذارند (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۳).

در تاریخ پهلوانی ایران، هزاران پهلوان جنگاور، دلاور، فداکار و جوانمرد ظهور کرده‌اند که هر یک در زمان خود آوازه‌ای بلند و مقامی ارجمند داشته‌اند. هدف و انگیزه این قهرمانان و پهلوانان، ترویج و اشاعه فضایل اخلاقی و خصال عالی انسانی، نوع دوستی، وطن خواهی و جوانمردی بوده است (کاظمینی، ۱۳۸۷: ۲۸). احساس مسئولیت نسبت به نیک و بد زندگی مردم، درک وظایف اجتماعی و عشق به وطن، از ویژگی‌های بارز این دلیران بوده که در هر شرایط لازم، با تمام توان به ظهور می‌رسیده است. البته ویژگی‌ها و شئون همه این دلیران یکسان نبوده است؛ برخی شاعر و عارف، برخی دیگر سردار جنگی، گروهی پادشاه، عده‌ای عیار و جوانمرد، و جمعی نیز جانباز و فداکار بوده‌اند که هر یک به نوعی برای سربلندی وطن تلاش کرده‌اند (کاظمینی، ۱۳۸۷: ۲۹).

ورزش پهلوانی به دلیل پیشینه کهن خود، تأثیرپذیرفته از فرهنگ و تاریخ ایران باستان است که پس از اسلام با عناصر اسلامی - عرفانی درآمیخته و با خوی فتوت و جوانمردی، در کنار زورمندی و دلاوری، آراسته شده است. این ورزش در زندگی سیاسی و اجتماعی ایران تأثیری بسزا داشته است، موضوعی که بررسی آن مجالی دیگر می‌طلبد. توجه به تربیت

داشته‌اند؛ فعالیت‌هایی همچون ایثار، ازخودگذشتگی، شجاعت، شهامت، شاعری، عرفان، نجابت و جوانمردی، سیاست، جنگ، موسیقی، یتیم‌نوازی، تقوا و پرهیزگاری، و مورد اعتماد بودن مردم.

پرسش‌های بسیاری درباره خصائل پهلوانان وجود دارد؛ از این‌رو، این تحقیق در پی آن است که ابتدا پهلوانان سه قرن هفتم، هشتم و نهم هجری قمری را معرفی کرده، سپس نمونه‌های بارز فرهنگی آنان را شناسایی کند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات متعددی درباره جایگاه ارزشی پهلوانان در ایران و در ادوار مختلف تاریخ انجام شده است. امجدی (۱۳۵۰) ورزش باستانی و ادبیات و هنر پهلوانی ایران باستان را مورد مطالعه و تبیین قرار داده است.

مدنی (۱۳۷۲) در پژوهش خود با عنوان «ورزش و ابزارهای ورزشی در شاهنامه و جایگاه فرهنگی و مردمی آن» به بررسی جایگاه فرهنگی و مردمی پهلوانان، ارزش اجتماعی آنان، و انواع رشته‌های ورزشی و تربیت‌بدنی پرداخته است.

نیکوبخت (۱۳۷۹) در کتاب خود با بهره‌گیری از اشعار شاعران مختلف، به بررسی ارتباط جسم و جان، ویژگی‌ها، ورزش و رشته‌های ورزشی رایج در ایران باستان پرداخته است. رضانی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه» برخی ویژگی‌های فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش ایران باستان را در شاهنامه فردوسی بررسی کرده و بیان داشته‌اند که تربیت‌بدنی و ورزش در فرهنگ ایران از غنای زیادی برخوردار بوده و می‌توان برخی صفات، نمادها و رفتارهای مثبت را در تربیت‌بدنی به‌عنوان الگوهای اخلاقی به‌کار گرفت.

انصافیور (۱۳۸۶) تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی وابسته به آن را بررسی کرده و به آیین‌های رفتارگرایی پهلوانان و عیاران پرداخته است.

شفیعی سروستانی (۱۳۸۶) سیر تحول تاریخی و فرهنگی ورزش پهلوانی را بررسی کرده و درباره تربیت پهلوانی و نمونه‌های الگویی آن مطالعاتی انجام داده است.

اخلاقی همچون راستگویی، جوانمردی، پرهیز از ریا، خردمندی و پارسایی نیز در فرهنگ پهلوانی ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. به عبارت دیگر، ایرانیان مردان عمل و خرد بوده‌اند، نه اهل سخن‌پردازی و قیل‌و‌قال. بررسی آیین‌های مذهبی، زمان و شیوه آموزش کودکان و نوجوانان، نیایش‌ها، جشن‌ها و مراسم اجتماعی نیز این امر را تأیید می‌کند.

در تاریخ پهلوانی ایران، هزاران پهلوان با ویژگی‌هایی چون جنگاوری، دلاوری، فداکاری و جوانمردی به ظهور رسیده‌اند که هر یک در عصر خود آوازه‌ای گسترده و مقامی ارجمند داشته‌اند. هدف و انگیزه این پهلوانان، اشاعه فضایل اخلاقی، نوع‌دوستی، وطن‌خواهی، جوانمردی و فتوت بوده است. تربیت پهلوانی، پرورش مردان جنگی، سلحشور و جوانمرد را در پی داشت و هر یک از فنون و مراحل این مسیر، گام‌به‌گام جوانان مبتدی را به هدف غایی، یعنی پرورش روح پهلوانی، نزدیک می‌کرد (شهبازی، ۱۳۹۳).

یکی از عوامل تداوم و استمرار ورزش ملی در ایران، علاوه بر جنبه‌های مذهبی و میهن‌دوستی، وجود ادبیات و هنر پهلوانی است. این امر در حقیقت نمودار روحیه ورزشی، سلامت‌جویی و ایمان ملت ایران به شمار می‌رود و جنبه‌ای ممتاز نیز دارد؛ بدین معنا که توسعه ادبیات و هنر پهلوانی در ایران، نشانگر انعکاس تمدن بزرگ باستانی و ملی این سرزمین در روح و جان یکایک مردم و جوانان آن است (کروکی، ۱۴۰۲: ۱۱-۱۲).

پهلوانانی که در رعایت آداب و سنن جوانمردی و پاکدلی خود از قهرمانان باستان پیروی می‌کردند، به آسانی فراموش‌شدنی نبودند. این پهلوانان، علاوه بر پهلوانی و ورزشکاری، در عرصه‌های دیگر فرهنگی نیز نقش‌آفرینی داشتند (کروکی، ۱۴۰۲: ۱۵).

با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون رشادت‌ها و قهرمانی‌های پهلوانان بوده و جایگاه توان جسمانی آنان بیش از سایر مؤلفه‌های انسانی مورد توجه قرار گرفته است، این پرسش مطرح می‌شود که پهلوانان قرون یادشده تا چه اندازه در فعالیت‌های فرهنگی مشارکت

کشتی‌گیران تاریخ این سرزمین می‌داند. پوریای ولی در زورخانه‌ها به عنوان مربی و پیر پهلوان، به پرورش و تربیت جوانان ورزش‌دوست می‌پرداخت. از آنجا که وی الگوی بسیاری از ورزشکاران آن دوره شد، جوانمردی و پهلوانی بیش از همیشه رواج یافت.

کشتی در قرن نهم با ظهور یوسف ساوهای همراه بود؛ پهلوانی بزرگ که کمتر نامش در تاریخ کشتی شنیده شده است. از آن زمان، حکایات عجیبی درباره کشتی در کتب قدیمی به یادگار مانده است. پادشاهان آن زمان، به ویژه در ناحیه خراسان، علاقه‌مند به این ورزش بودند و کشتی یکی از اصلی‌ترین تفریحات و نیز پرهیجان‌ترین نبردها برای مردم و سردمداران محسوب می‌شد.

جدول ۱: پهلوانان نامی قرون هفتم، هشتم و نهم

نام پهلوان	قرن
پوریای ولی	هفتم - هشتم
فیله همدانی	هفتم
علیشاه بمی	هفتم
اسدالله عطایی	هشتم
راضیه خاتون عطایی	هشتم
اسد کرمانی	هشتم
عبدالرزاق بیبهقی	هشتم
یوسف ساوهای	نهم
حیدر تیرگر	نهم
محمد ابوسعید	نهم
محمد مالانی	نهم
درویش محمد	نهم
مفرد قلندر	نهم

پهلوانان قرن هفتم

پهلوان پوریای ولی: محمود بن ولی‌الدین خوارزمی (۶۵۳-۷۲۲ ه‍.ق) در شهر اورگنج (گنجه) در دوره اول حکومت هلاکوخان در خوارزم چشم به جهان گشود. وی ملقب به پوریای ولی، صوفی، شاعر و پهلوان نامی ایران است که سابقه برجسته‌ای در ورزش زورخانه‌ای دارد. دیوان اشعار خود را در سال ۷۰۳ ه‍.جری با عنوان «کنز الحقایق» به پایان رساند

آیدنلو (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «فردوسی و شاهنامه در منظومه‌های پهلوانی، دینی و تاریخی پس از او» به بررسی تاریخ حیات فرهنگی و اجتماعی پهلوانان ایران زمین پرداخته است.

تاجریان (۱۳۸۷) اخلاق پهلوانی را در میان پهلوانان ایرانی، از جمله پوریای ولی، بررسی کرده و به ویژگی‌های اخلاقی او پرداخته است.

کاظمینی (۱۳۸۷) نقش جوانمردی و ایثار را در تاریخ پهلوانی و دلیری ایران بررسی کرده و زندگینامه پهلوانان نامدار قرون هفتم تا نهم هجری قمری را مورد مطالعه قرار داده است.

گلی و همکارش (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «سنجش کردارهای پهلوانی در شاهنامه و دده قورقود» به بررسی همسانی کردارهای پهلوانی در این دو اثر پرداخته و خصائل ممتاز پهلوانان را تحلیل کرده‌اند.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است و به صورت اسنادی انجام شده است. در این تحقیق، با استفاده از متون کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط از طریق فیش‌برداری، داده‌ها گردآوری شده‌اند. ابزار تحقیق شامل کتب تاریخی مرتبط با تربیت‌بدنی، تصاویر استخراج شده از این منابع و جستجوهای اینترنتی بوده است. پهلوانان ایرانی قرون هفتم تا نهم هجری قمری به عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شده‌اند که در زمان خود از افراد تأثیرگذار و مشهور به شمار می‌آمدند.

یافته‌ها

در قرن هفتم، مغولان بر ایران تسلط یافته بودند. آوازه کشتی به گوش اوکتای قآن، پسر چنگیزخان، رسید و دستور داد تا کشتی‌گیران را نزد او بیاورند. او از این هنر بسیار شگفت‌زده شد و این ورزش در دوران سلطه مغولان نیز به حیات خود ادامه داد. قرون هفتم و هشتم با نام «پوریای ولی» آراسته شده است؛ جامعه ورزشی ایران هنوز او را استاد پیر و مراد

شاه شجاع) در جنگ با اوغانیان در صحرای خاوران شرکت داشت. این جنگ در سال ۷۴۷ هجری قمری روی داد و در آن امیر مبارزالدین به شدت زخمی شد. پهلوان علিশاه بمی اسب خود را به او داد تا از مهلکه جان سالم به در برد، اما خود او همراه با ششصد تن از دلاوران به دست مخالفان کشته شد (دهخدا، ۱۳۳۷). قبل از آنکه پهلوان علিশاه بمی در دربار شاه شیراز به مقام و منزلت برسد، در میان مردم شیراز به نجابت، جوانمردی، گذشت و فداکاری برای خلق خدا معروف بود. او در کمک به مستمندان و نیازمندان از هیچ چیزی دریغ نمی‌کرد. گذشت، فداکاری و نجابت از نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوان علিশاه بمی به شمار می‌روند که مردم آن دوره، به ویژه مستمندان، چشم امیدشان پس از خداوند به او بود. این پهلوان همچنین دستور ساخت مسجد جامع کرمان را داد که نزدیک به ۷۰۰ سال قدمت دارد (انصاف‌پور، ۱۳۷۵؛ ۹).

پهلوانان قرن هشتم

پهلوان اسدالله عطایی: پهلوان اسدالله عطایی از جمله قهرمانان کشتی‌گیر و ورزشکار زورخانه‌ای کرمان بود و در دوران خود پهلوان بلامنازع این منطقه محسوب می‌شد. خواهرش، سکینه خاتون عطایی، نیز از پهلوانان نامی کرمان و زنان برجسته این دیار به شمار می‌رفت. مردان و زنان کرمانی با منش و اقتدار پهلوانی و برخورداری از صفاتی چون شجاعت، پاکی، صداقت، صفا، گذشت و اعتقاد به خداوند، موجبات کمال کرمان و امنیت پایدار این سرزمین را فراهم کرده‌اند که پهلوان اسدالله یکی از آنها بود. وی حافظ قرآن نیز بود و از نفوذ کلام بالایی برخوردار بود.

پهلوان عطایی در تمرینات ورزشی بسیار کوشا بود. زمانی که قصد شروع ورزش در زورخانه را داشت، یک کله قند را میان بادیه‌ای پر از عرق بیدمشک قرار می‌داد و سپس ورزش را آغاز می‌کرد؛ آنقدر به ورزش ادامه می‌داد که کله قند کاملاً آب می‌شد و پس از پایان تمرین، شربت حاصل را می‌نوشید. علاوه بر توان جسمانی فوق‌العاده، از سجایای اخلاقی والایی نیز برخوردار بود و به قول قدیمی‌ها نفس او حق بود. به

و گفته می‌شود در سال ۷۲۲ در خیوه، سحرگاه در حالت سجده درگذشت (انوشه، ۱۳۸۰). پوریای ولی از پهلوانان بزرگ، عارفی ارجمند و شاعری توانا بود که نامش مترادف با جوانمردی و بزرگواری شناخته شده است. احساس مسئولیت نسبت به نیکی و بدی زندگی مردم، درک وظایف اجتماعی و عشق به وطن، از وجوه مشخصه این پهلوان است که هرگاه شرایط و اوضاع ایجاب می‌کرد با تمام قدرت ظهور می‌یافت. وی انسانی ایده‌آل، انسان‌دوست و جوانمرد بود و دارای بسیاری فضایل و کمالات معنوی (انصاف‌پور، ۱۳۷۵؛ ۵). از آثار او مثنوی «کنزالحقایق»، تعدادی رباعی و یک غزل است که نشان‌دهنده توانایی بالایی او در شعر می‌باشد. این اشعار اغلب عرفانی و اخلاقی‌اند و بیانگر اعتقادات و جهان‌بینی این پهلوان وارسته هستند (کریمی، ۱۳۸۶؛ ۹).

پهلوان فیله همدانی: پهلوان فیله همدانی در سده هفتم هجری (اواخر قرن ششم تا قرن هفتم) از سرشناس‌ترین پهلوانان ایران زمین بود. وی از پهلوانان دوره ایلخانی (۶۵۴-۷۵۰ ه.ق) در همدان بود و در سال ۷۲۲ هجری قمری درگذشت. پهلوان فیله همدانی در گذشت، مهربانی، تواضع و جوانمردی زبازند خاص و عام بود. پس از پیروزی در مسابقه‌ای در برابر پهلوان بزرگ مغول، جایزه‌ای به ارزش ۵۰۰ اسب و ۵۰۰ کیسه سکه طلا از اوگتای دریافت کرد. همچنین اوگتای به همراه این جوایز، دختری زیبا از مغول‌ها را به عقد او درآورد، اما زوجه پهلوان پس از مدتی به خان مغول شکایت کرد که پهلوان با او چون خواهر و برادر رفتار می‌کند. اوگتای از پهلوان توضیح خواست و وی پاسخ داد که می‌خواهد همیشه پهلوان باقی بماند و از نیروی خود کاسته نشود. این رفتار نشان‌دهنده پرهیز وی از هوا و هوس نفسانی بود. پهلوان فیله همدانی در تواضع، جوانمردی و مردانگی رقیبی نداشت و این خصلت او به عنوان الگویی مردمی شناخته می‌شد (جهان‌پور، ۱۳۸۷).

پهلوان علিশاه بمی: پهلوان علিশاه بمی از پهلوانان اواخر قرن هفتم بود که همراه امیر مبارزالدین محمدبن مظفر (پدر

همنوعان خود کمک می‌کرد و تنها به این نمی‌اندیشید که چگونه پهلوانی دیگر را شکست دهد.

کربلایی اسدالله اصلاً کشتی نمی‌گرفت و دلیلش این بود که نمی‌خواست پهلوان دیگری را در انتظار عمومی شکست دهد و به قول ما «کم بیاورد»، برخلاف برخی مدعیان ورزش که حاضرند به هر قیمت و ترفندی بر حریف خود غلبه کنند. مرام او مهمان‌نوازی بود؛ به پهلوانانی که برای کشتی گرفتن به کرمان می‌آمدند پذیرایی می‌کرد و همواره چند اتاق از خانه‌اش را برای میزبانی آنان اختصاص می‌داد. در واقع، پهلوانان و کشتی‌گیران را به چشم مهمان و رفیق می‌دید، نه رقیب.

وی با کسی کشتی نمی‌گرفت؛ اگر کسی اصرار داشت، می‌گفت: «تو پای من را از زمین جدا کن، من قبول می‌کنم که تو ورزشکاری و نیازی به کشتی گرفتن نیست.» گاهی هم می‌گفت: «من می‌خواهم پایم را از زمین بلند کنم، تو تلاش کن که آن را به زمین بچسبانی!» اما هرگز به میل و اراده خود وارد مبارزه و رقابت نمی‌شد.

پهلوان محمد یزدی، از نامداران کشتی ایران و سرآمدان زمان خود، برای کشتی گرفتن به کرمان آمده بود. او با کربلایی اسدالله کشتی گرفتند و در طول سه روز هیچ یک نتوانست بر دیگری فائق آید. روز سوم، پهلوان محمد یزدی که آن زمان ۴۲ سال داشت، رو به کربلایی اسدالله ۲۵ ساله گفت: «جوان! تو پوریای ولی زمان هستی، به شرط این که قدر جوانی خود را بدانی...» و همانجا در حضور نوچه‌هایش اعتراف کرد که توان ادامه کشتی با این جوان را ندارد.

پهلوان راضیه خاتون عطایی: سکینه خاتون (راضیه خاتون) زنی با حیا، عفت و صف‌ناشدنی و مرام پهلوانی بود که به صفت راضیه خاتون مشهور گردید. بانویی شجاع که در فن کشتی استاد زمانه خود بود و هیچ یک از برادران و برادرزادگانش — که همگی از کشتی‌گیران و پهلوانان کرمان بودند — هرگز موفق نشدند او را شکست دهند.

روزی چند پهلوان نامی از یزد برای برگزاری مسابقات پهلوانی به کرمان آمدند و طی چند روز با پهلوانان کرمانی به

رقابت پرداختند. برندگان نهایی این مسابقات، پهلوان اسدالله عطایی و پهلوان محمد عبدل (معروف به پهلوان یزدی کوچک) بودند. پیش از برگزاری فینال، پیشنهاد شد که پهلوان محمد عبدل یک کشتی هم با یکی از پهلوانان گمنام کرمانی که در مسابقات شرکت نکرده بود، برگزار کند و پس از آن مسابقه نهایی برگزار شود. پهلوان یزدی از این پیشنهاد استقبال کرد چون به پیروزی خود اطمینان داشت.

روز بعد کشتی جانانه‌ای برگزار شد. در این مسابقه، سر و صورت پهلوان گمنام کرمانی پوشیده بود. کشتی دقیقی طول کشید و در یک زورآزمایی سخت، هر کدام دیگری را به ورطه شکست می‌کشاند تا این که پهلوان کرمانی در لحظه‌ای، پهلوان محمد عبدل را از زمین بلند کرده و با قدرت به خاک رساند. بدین ترتیب پهلوان کرمانی برنده میدان اعلام شد.

سکینه خاتون پس از پیروزی، به میان چند زن که کمی عقب‌تر ایستاده بودند رفت و در همان لحظه همه فهمیدند که پهلوان گمنام کرمانی، خواهر پهلوان اسد، سکینه خاتون عطایی بود. این خبر به سرعت بین پهلوانان میهمان پیچید و آنان از ادامه مسابقات انصراف داده و همان روز کرمان را ترک کردند، بدون این که مسابقه نهایی برگزار شود!

سکینه خاتون هر سال ده روز محرم را در منزل پدرش مراسم روضه‌خوانی برگزار می‌کرد.

یکی از سال‌ها، مردان برای بالا بردن تیرک (عمود خیمه) در میانه حیاط خانه پهلوان عطایی جمع شده بودند و بر سر چگونگی بالا بردن آن ساعت‌ها مشاجره داشتند. سکینه خاتون متوجه شد، چادرش را بر کمر زد و خود را به کنار تیرک رساند. سپس از همه خواست طناب‌های نگه‌دارنده تیرک را که در قسمت بالای آن قرار داشتند، محکم نگاه دارند. آنگاه به تنهایی تیرک را به همراه چادر از زمین بلند کرد و انتهای آن را در محل مخصوص روی زمین قرار داد. در همان لحظه صدای صلوات حاضرین فضای خانه و کوچه را پر کرد و خیمه امام حسین (ع) برپا شد.

پهلوان اسد کرمانی: پهلوان اسد کرمانی از پهلوانان نامی شهر کرمان بود که در اواخر قرن هشتم هجری قمری در

وی از شاگردان عبدالرحمان جامی به شمار می‌رفت و در سرودن شعر نیز مهارت داشت (انصاف‌پور، ۱۳۷۵: ۱۷۴). اطلاعات دقیقی از محل تولد و وفات وی در اسناد موجود نیست (ویستا، ۱۳۹۴). درویش محمد به خاطر جوانمردی و تواضع در میان مردم و سلطان زمان خود تحسین می‌شد و در آن زمان به وی «پهلوان پهلوانان» گفته می‌شد. برای او آبرو و تواضع اهمیت فراوان داشت (انصاف‌پور، ۱۳۷۵: ۱۸۶).

پهلوان محمد ابوسعید: پهلوان محمد ابوسعید از پهلوانان نامی سده نهم و دهم قمری بود. اطلاعات موثقی از محل تولد وی در دست نیست. او شاعر، خواننده، موسیقیدان و استادی برجسته بود (انصاف‌پور، ۱۳۷۵: ۱۶۹). وی در زمان سلطان حسین بایقره (۸۴۲-۹۱۱ ه.ق) در هرات می‌زیست و مورد عنایت این پادشاه و وزیر دانشمندش امیرعلی شیرنوازی بود. در کتاب «مجالس نفایس» درباره محمد ابوسعید آمده است: او مردی کشتی‌گیر و پهلوانی بی‌نظیر بود و در کل قلمرو ایران پهلوی کسی چون او با زور و قدرت وجود نداشت. او به همه هنرهای انسانی آراسته و در علم موسیقی استاد تمام بود؛ دل‌های مردم را با آوازهای خود شاد می‌کرد و تصنیفات و نقش‌های خوبی داشت. کمال پهلوانی او نهایت نداشت (مشحون، ۱۳۷۶: ۲۳۵). وی هنرمندی کامل و استاد تمام در شعر، موسیقی و فن کشتی بود و حتی در این رشته کتابی نوشته بود.

پهلوان محمد مالانی: پهلوان محمد مالانی از پهلوانان نامی هرات بود که در مقابل حاکم هرات، حسین میرزا، با فیلی تنومند کشتی گرفت و به شهرت رسید (عربلو، ۱۳۹۲). با وجود بازوان ستبر و عضلانی، از کشتی گرفتن با استاد بزرگ پهلوان محمد ابوسعید خودداری می‌کرد؛ زیرا این کار را از سر تواضع می‌دانست و پهلوان ابوسعید را پدر معنوی خود می‌شمرد (انصاف‌پور، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

پهلوان مفرد قلندر: پهلوان مفرد قلندر از پهلوانان قرن نهم قمری بود که نزد مولانا سید عبدالله نجفی فنون عیاری و

سرزمین ایران ظهور کرد. وی بر شاه شجاع اتابک فارس شورید و مدت‌ها با وی برای حمایت از ستم‌دیدگان جنگید و ستیز کرد (انصاف‌پور، ۱۳۵۵: ۴۲). پهلوان اسد خود حاکم کرمان بود و با کمک پهلوان باشتینی و پهلوان عبدالرزاق سال‌ها علیه حکومت ظالم جنگید تا سرانجام حکومت شیعه را بنا نهاد. او نماد ورزشکار و پهلوانی است که در راه حفظ حقوق مظلومان علیه دولت‌مردان زمان خود جنگید و هیچ واهمه‌ای نداشت (موتاب، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

پهلوان عبدالرزاق بیهقی: پهلوان عبدالرزاق بیهقی از پهلوانان عیار خراسان بود که در نهضت سربداران خراسان علیه ستمکاری‌های حکام بیگانه (مغول) مبارزه می‌کرد (حیدری، ۱۳۹۲). او نیز مانند پهلوان اسد کرمانی در این نهضت نقش داشت و به صورت پنهانی با حکام مغول مبارزه می‌کرد. وی که فردی عیار بود، در تیراندازی و کشتی مثال‌زدنی بود و از دفاع از فقرای ستم‌دیده علیه حکام مغولی غافل نمی‌ماند (انصاف‌پور، ۱۳۷۵: ۹۰).

پهلوانان قرن نهم

پهلوان یوسف ساوه‌ای: پهلوان یوسف ساوه‌ای از کشتی‌گیران بی‌نظیر قرن نهم هجری قمری است که برای ترویج و گسترش کشتی تا هندوستان رفت و زورخانه‌ای در آنجا تأسیس کرد (فخاریان، ۱۳۹۶: ۴۸۲).

پهلوان حیدر تیرگر: در دروازه فیروزآباد هرات، یتیمی به نام حیدر تیرگر زندگی می‌کرد. وی چنان بود که بهادران در روز جنگ از نوک ناوک زره شکاف او می‌ترسیدند. هرگاه که کمر به شبروی و عیاری می‌بست، ماه ترک شبروی بود و چون خنجر به دست می‌گرفت، تیغش به لرزه می‌افتاد. حیدر تیرگر در تیراندازی، شمشیرزنی، پهلوانی و کشتی‌گیری در آن زمان معروف و مشهور بود.

پهلوان درویش محمد: پهلوان درویش محمد، کشتی‌گیر نامدار قرن نهم، در عین حال از طلاب علوم و اهل درس بود.

مستلزم پهلوانی، علاوه بر مهارت‌های ورزشی و چالاک‌ی در کشتی، رعایت آیین فتوت، رادمردی، جوانمردی، گذشت، متانت، تواضع، صداقت و احترام به بزرگان و پیشکسوتان بوده است. این خصائل عمومی یک پهلوان بود، اما هر پهلوان نیز به واسطه ویژگی‌های فردی و شخصیتی خاص خود، در میان مردم شهره عام و خاص می‌شد.

نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوانان

پهلوان فیله همدانی: پهلوان فیله همدانی در گذشت، جوانمردی، تواضع و مردانگی رقیب نداشت و این ویژگی‌ها او را به الگویی مردمی تبدیل کرده بود. رفتار و خصلت‌های وی بر مردم آن زمان تأثیرگذار بود و مردم سعی می‌کردند از او الگو بگیرند.

پهلوان اسد کرمانی: دفاع از حقوق مظلومان در برابر حکومتیان، یکی از بارزترین خصائل فرهنگی پهلوان اسد کرمانی بود. مردم او را به عنوان حامی بزرگ در برابر ستم حکام می‌دیدند.

پهلوان عبدالرزاق بیهقی: مبارزه حق علیه باطل و دفاع از حقوق ستمدیدگان، از ویژگی‌های فرهنگی این پهلوان بود. مردم وی را حامی مظلومان در برابر ستم حکام مغول می‌شناختند.

پهلوان علিশاه بمی: گذشت، فداکاری و نجابت از ویژگی‌های بارز فرهنگی پهلوان علিশاه بمی بود که به ویژه نزد مستمندان بسیار محترم و مورد توجه بود.

پهلوان پوریای ولی: وی شاعری، عارفی، جوانمرد و عاشق وطن بود. مردم او را نه تنها پهلوان، بلکه شاعری بزرگ و عارفی وارسته می‌دانستند.

پهلوان درویش محمد: شعرسرایی و شاعری از ویژگی‌های فرهنگی پهلوان درویش محمد بود و مردم او را به عنوان پهلوانی شاعر و اهل هنر می‌شناختند.

پهلوان محمد ابوسعید: شاعری، خوانندگی و موسیقی از خصائل فرهنگی این پهلوان بود و مردمان زمانش او را پهلوانی هنرمند می‌دانستند.

پهلوانی را آموخت و یکی از پهلوانان نامی هرات محسوب می‌شد (صداقت‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۲). وی تنها با رخت توشه‌ای اندک و قلبی سرشار از ایمان و عشق به خاندان رسالت و نبوت جویای نام بود، نه نان. پهلوان مفرد در اخلاص عمل و خداشناسی نمونه‌ای برجسته بود و آوازه وی در دیانت، عشق به خداوند یکتا و مردانگی در میان مردم آن زمان گسترده بود (صداقت‌نژاد، ۱۳۶۲: ۱۵). از خصائل وی می‌توان به دفاع از مظلومان، شجاعت، دلیری، زیرکی، رادمردی و جوانمردی اشاره کرد. همچنین سخنران و سخنوری مجربی بود.

بحث

ایران در قرون هفتم، هشتم و نهم هجری قمری در زمینه فتوت و عیاری، پهلوانی، جوانمردی، قهرمانی و ورزش‌هایی مانند تیراندازی، شمشیرزنی، سوارکاری، شنا، دو، چوگان، شکار و به ویژه ورزش باستانی و زورخانه رشد بی‌نظیری داشت. پادشاهان و دولتمردان آن زمان ورزش و پهلوانی را به عنوان رکن اصلی حکومت خود قرار داده بودند، زیرا می‌دانستند برای دستیابی به اهدافشان باید مردمانی دلاور، قهرمان، سالم، چالاک و بی‌باک تربیت کنند. به همین دلیل، سه عنصر دین، مذهب و ملیت (اسلام، تشیع و ایران) را با هم آمیختند و از ملت ایران پهلوانانی ساختند که عاشق اسلام، تشیع و ایران بودند و تا سرحد شهادت از وطن دفاع کردند.

فرهنگ پهلوانی در ورزش ایران نمونه‌های بارز فراوانی دارد؛ به گونه‌ای که پهلوانان تنها ورزشکار نبودند، بلکه دارای خصوصیات همچون نجابت، جوانمردی، شاعری، عارفی، سیاستمداری، هنرمندی، نویسندگی، نوازندگی، شجاعت، شهامت، ایثار، از خودگذشتگی، موسیقی، خوشنویسی، وفاداری، امانت‌داری، دیانت، مبارزه‌طلبی، جنگجویی، مهمان‌نوازی، یتیم‌نوازی، یآوری محرومان، مهربانی، دفاع از مظلومان، تقوا و پرهیزگاری، و مورد اعتماد مردم بودن نیز بودند. پهلوانان آن دوره نمونه‌های بارز این خصائل بودند و نام و یادشان در منابع موجود به نیکی آمده است.

گسترده‌گی اساطیر هر ملت، نشانه‌ای از ژرفای فرهنگ و تمدن آن قوم است. اساطیر، ریشه‌های هویت جامعه‌اند که از عمیق‌ترین مفاهیم وجودی به سوی سطوح متمدن‌تر و امروزی‌تر روییده و رشد یافته‌اند. اما چهره این هویت کهن، در گذر زمان تحت تأثیر تحولات پیوسته قرار می‌گیرد؛ تغییراتی که ساختار این هویت دیرینه را فرسایش داده و شخصیت‌هایی را که روزگاری خداوندگان مردم بودند و تجلیگاه دانش و بینش آنان، به آدمک‌های داستان‌های کودکانه تبدیل می‌کند. این پدیده، زخمی تاریخی بر پیکر فرهنگ و ادبیات است که وظیفه خطیر احیا و نگهداری آن بر عهده ادیبان و متخصصان ادبیات است. آنان در این مبارزه همانند پزشکانی هستند که باید تمام توان خود را برای بهبود جراحت فرهنگی به کار بندند. البته فرسایش ارزش متون ادبی تنها در اساطیر رخ نمی‌دهد، بلکه دیگر ساختارهای ادبی نیز درگیر این تحول‌اند. از این رو، مبارزه خودآگاهانه با این موضوع در سده اخیر از سوی ناقدان ادبی به شکل جدی پیگیری شده و نوسازی متون به وسیله نگرش و تحلیل نو به عنوان راهکاری مؤثر در این زمینه مطرح گردیده است.

وجود پهلوانانی که در رعایت آداب و سنن جوانمردی و پاک‌دلی، پیرو قهرمانان باستان بودند، به سادگی قابل زوال نبود. پهلوانان علاوه بر مهارت‌های ورزشی، در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز فعال بودند؛ از جمله در نجابت، شاعری، عارفی، جهانگردی، سیاست، شهامت، ایثار، موسیقی، خوش‌نویسی، وفاداری، طراحي و نقاشی، دیانت و مذهب، مبارزه و جنگجویی، مهمان‌نوازی، سرکوب مخالفان، یتیم‌نوازی، یآوری محرومان، مهربانی، حمایت از مظلومان، تقوا و پرهیزکاری، و همچنین مورد اعتماد و امانت‌دار مردم بودن.

احساس مسئولیت نسبت به نیکی و بدی زندگی مردم، درک وظایف اجتماعی و عشق به وطن از ویژگی‌های برجسته این دلیران بود که در مواقع ضروری با تمام قدرت بروز می‌یافت. البته ویژگی‌ها و شئون همه این دلیران یکسان نبود؛ برخی شاعر و عارف، برخی سردار جنگی، برخی پادشاه، برخی

پهلوان محمد مالانی: تواضع و فروتنی از ویژگی‌های برجسته پهلوان محمد مالانی بود و مردم او را پهلوانی بسیار با تواضع می‌شناختند.

پهلوان مفرد قلندر: دیانت و مردانگی از نمونه‌های بارز فرهنگی پهلوان مفرد قلندر بود. وی به عنوان پیشرو در خط خدانشناسی و معرفت‌شناسی شناخته می‌شد.

مقام پهلوانی در ایران باستان از جایگاهی ویژه برخوردار بود. برای رسیدن به این مقام، جوانان علاوه بر تسلط کامل بر رشته‌های مختلف ورزشی مانند اسب‌سواری، تیراندازی، شکار و شنا، باید مهارت‌های فنون و رموز کشتی را نیز فرا می‌گرفتند و در کنار آن از سجایای اخلاقی چون جوانمردی، شجاعت، بزرگواری و عدالت برخوردار بودند. پهلوانان ویلان در زمان صلح به عنوان پهلوانان کشور و در زمان جنگ سرداران ارتش به شمار می‌آمدند. اهمیت مقام پهلوانی به حدی بود که گاه نتیجه جنگ میان دو طرف متخاصم، به فتح یا شکست یکی از پهلوانان — که سرداران ارتش بودند — بستگی داشت.

یکی از عوامل استمرار و تداوم ورزش ملی در ایران، علاوه بر جنبه‌های مذهبی و میهن‌دوستی، وجود ادبیات و هنر پهلوانی بود. این هنر و ادبیات نمودار روحیه ورزشی، سلامت‌جویی و ایمان ملت ایران است و جنبه‌ای ممتاز دارد؛ چرا که توسعه ادبیات و هنر پهلوانی نشان‌دهنده انعکاس تمدن بزرگ باستانی و ملی ایران در روح تک تک مردم و جوانان آن سرزمین است. تربیت بدنی و ورزش بخش مهمی از میراث فرهنگی کشور ما به شمار می‌رود و علاوه بر جنبه‌های عملی، پیشینه تاریخی و فرهنگی ارزشمندی دارد. به ویژه آنکه بررسی این پیشینه در آثار ادبی و تربیتی، برای مبانی علوم انسانی تربیت بدنی و ورزش ضروری است.

اگرچه بهداشت، ورزشی و توجه به ورزش از ابعاد تربیتی، نظامی و تفریحی، بخش مهمی از فرهنگ ایران بوده است، این جنبه‌های مهم تاکنون به اندازه کافی برای شناخت و احترام به هویت ملی و مبانی تاریخی - فرهنگی ورزش کشور مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی پهلوانان نامدار قرون هفتم، هشتم و نهم هجری قمری نشان می‌دهد که فرهنگ پهلوانی در ایران آن دوران، صرفاً محدود به قدرت جسمانی و مهارت‌های ورزشی نبوده، بلکه با ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در هم تنیده بوده است. پهلوانانی همچون پوریای ولی، فیله همدانی، علیشاه بمی، اسد کرمانی، عبدالرزاق بیهقی، درویش محمد، محمد ابوسعید، محمد مالانی و مفرد قلندر، علاوه بر توانایی‌های ورزشی، واجد ویژگی‌هایی چون جوانمردی، گذشت، ایثار، تواضع، شاعری، موسیقی‌دانی، عرفان، دیانت و حمایت از مظلومان بوده‌اند. این خصائل آنان را به الگوهای فرهنگی و اخلاقی جامعه بدل کرده و موجب ماندگاری نامشان در تاریخ شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پهلوانان در کنار فعالیت‌های ورزشی، نقش‌آفرینان مهمی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند؛ از تربیت نسل جوان و ترویج فضایل اخلاقی تا مشارکت در نهضت‌های سیاسی و دفاع از حقوق مردم. آمیختگی ورزش با آیین فتوت و جوانمردی، پهلوانی را به نهادی اجتماعی - فرهنگی بدل ساخته که هم در حفظ هویت ملی و هم در انتقال ارزش‌های انسانی نقشی بنیادین داشته است.

در مجموع، بررسی زندگی و عملکرد این پهلوانان نشان می‌دهد که ورزش پهلوانی ایران باستان، فراتر از یک فعالیت بدنی، ابزاری برای پرورش انسان‌هایی جامع‌الاطراف بوده که با آمیزه‌ای از قدرت، اخلاق و فرهنگ، در مسیر تعالی جامعه گام برمی‌داشتند. این الگوها می‌توانند الهام‌بخش نسل امروز برای پیوند میان ورزش، اخلاق و مسئولیت اجتماعی باشند.

منابع

امجدی، م. (۱۳۵۰). تاریخ ورزش ایران. تحت شماره ۹۳۸ به تاریخ ۱۳۵۰/۰۸/۲۶ در دفتر مخصوص کتابخانه ملی به ثبت رسیده است.
انصاف‌پور، غ. ر. (۱۳۵۵). داستان‌های شگفت‌انگیز از پهلوانان ایران:
۱- پهلوان پوریای ولی، ۲- پهلوان اسد کرمانی، ۳- پهلوان بیک قمری (چاپ اول). تهران: نشر سپیده.

عیار و جوانمرد و برخی جانباز و فداکار بودند که هر یک به نوبه خود در راه سربلندی وطن تلاش کرده‌اند.

پهلوانان بسیاری در قرون پنجم تا دهم هجری قمری زندگی کردند که در این ویژگی‌ها شهرت فراوان داشتند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مطالعات تاریخی و فرهنگی، تبیین سرگذشت ظاهری و باطنی یک موضوع در گذر زمان است به گونه‌ای که چهره گذشته، نقاط عطف، عوامل مؤثر در تحولات، تأثیرپذیری فرهنگی و وضعیت کنونی آن معلوم گردد.

این مطالعات مخصوص اقوامی است که قصد دارند ساختار فرهنگی و مادی حیات خود را دگرگون سازند و تصویری مطلوب و پیش‌فرض را در پیش رو داشته باشند تا با تحول گام‌به‌گام امور، به وضع مطلوب دست یابند. تجربه‌های تاریخی و مطالعات بنیادی نشان می‌دهد که تربیت‌بدنی نه صرفاً به عنوان بازی یا فعالیتی برای تنومند ساختن جسم، بلکه به عنوان مجموعه‌ای در هم‌تنیده با اعتقاد و فرهنگ، در میان ایرانیان جایگاهی ویژه داشته است. نحوه حضور ورزشکاران در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی این ملت نیز موید این امر است.

ورزشکاران باستانی با حفظ سنن نیاکان خود و درک مسئولیت اخلاقی، در تمام دوران ورزش پهلوانی، ضمن آموزش فضایل پسندیده انسانی، خود را از طریق ورزش پهلوانی به جامعه اطمینان و اعتماد به نفس می‌بخشیدند. بررسی ورزش پهلوانی بدون توجه به ورزش در ایران باستان ممکن نیست، چرا که این پدیده پیوندی آشکار با رشته‌های مختلف ورزشی و ویژگی‌های معنوی دوران باستان دارد.

از همان آغاز در ایران کهن، ورزش و مسئولیت اخلاقی همزاد و همراه بوده‌اند. پاسداری از زندگی خانوادگی، قومی و ملی در برابر تجاوز بیگانگان نیازمند بدنی نیرومند، چابک و مقاوم بود و این امر بدون درک مسئولیت اخلاقی به منظور دفاع از مقدسات و نوامیس انسانی میسر نمی‌شد. بنابراین ورزش در ایران دیرین و باستان هم در کسب فضایل اخلاقی و هم در اهداف نظامی و جنگی شکل گرفته است.

صدافت‌نژاد، ج. (۱۳۶۲). پهلوان مفرد قلندر (چاپ اول). تهران: انتشارات مرید حق.

صدافت‌نژاد، ج. (۱۳۸۳). عیار جانباز جهان پهلوان مفرد قلندر (چاپ اول). تهران: انتشارات تهران.

عربلو، ا. (۱۳۹۲). کشتی پهلوان محمد مالانی با فیل تتومند. مجله الکترونیکی تبیان. بازیابی شده از <http://www.tebyan.net/newmobile.aspx?pid=129051>

فخاریان ساوجی، الف. (۱۳۹۶). فرهیختگان ساوه. قم: نشر آتریس. به سفارش و تلاش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه.

کاظمینی، ک. (۱۳۸۷). نقش جوانمردی و ایثار در تاریخ پهلوانی و دلیری ایران. تهران: سیب سبز.

کریمی، م. (۱۳۸۶). زندگینامه و رباعیات پهلوان محمود پوریای ولی (چاپ اول). تهران: انتشارات روزنه.

کروکی، ع. (۱۴۰۲). مصادیق فرهنگی پهلوانان نامی ایران زمین (از ابتدا تا کنون) (چاپ اول). تهران: نشر آرنا.

گلی، ا.، اسدی، و. و ولیلو، ر. (۱۳۹۳). سنجش کردارهای پهلوانی در شاهنامه و دده قورقود. فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات فارسی، ۱۰(۲۴)، ۱۶۱-۱۸۰.

مدنی، م. س. (۱۳۷۲). ورزش و ابزارهای ورزشی در شاهنامه و جایگاه فرهنگی و مردمی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

موتاب، ا. (۱۳۷۷). آئین فتوت و جوانمردی و پهلوانان آذربایجان (چاپ اول). تهران: انتشارات روان پویا.

نیکوبخت، م. (۱۳۷۹). تربیت‌بدنی در آینه فرهنگ و ادبیات ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ویستا. (۱۳۹۴). پهلوان درویش محمد یزدی، شخصیت‌های فرهنگی، هنری. مجله الکترونیکی ویستا. بازیابی شده از <http://vista.ir/doc/60802>

انصاف‌پور، غ. ر. (۱۳۷۵). پوریای ولی، داستان‌هایی از پهلوانان قدیم ایران از قرن هفتم تا سیزدهم هجری (چاپ اول). تهران: دنیای کتاب.

انصاف‌پور، غ. ر. (۱۳۸۶). تاریخ و فرهنگ زورخانه (چاپ اول، شماره ۱۳۳). تهران: نشر اختران.

انوشه، ح. (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه (ویراست دوم، جلد اول، چاپ اول). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آیدنلو، س. (۱۳۸۷). فردوسی و شاهنامه در منظومه‌های پهلوانی، دینی و تاریخی پس از او. نشریه گوهر گویا، ۸(۲)، ۴۷-۸۲.

باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۳۹۳). تاریخچه ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای. بازیابی شده از <https://www.yjc.ir/00K41V>

تاجریان، ع. ر. (۱۳۸۷). اخلاق پهلوانی در ورزش. مجله الکترونیکی آفتاب. کد مقاله: A۱۶۴۵۴۳.

جهان‌پور، ع. (۱۳۸۷). آیین‌ها و باورهای زورخانه. فصلنامه فرهنگ مردم، ۲۶، ۲۳۳.

حیدری، م. (۱۳۹۲). تاریخچه کشتی در ایران (چاپ سوم). تهران: نشر بهمن.

دهخدا، ع. ا. (۱۳۳۷). لغت‌نامه دهخدا (جلد ۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رمضانی، ر.، دانشمندی، ح.، نیکویی، ع. ر. و بهرامی‌پور، ب. (۱۳۸۵). مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه. فصلنامه المپیک، ۸۴(۴)، ۸۳-۸۹.

شفیعی سروستانی، ا. (۱۳۸۷). تربیت پهلوانی (سیر تحول تاریخی و فرهنگی ورزش ایران) (چاپ سوم). تهران: نشر هلال.

شهبازی، د. (۱۳۹۳). سیری در تاریخ لوطی‌گری و آیین جوانمردی در فرهنگ قدیم ایران و تهران. بازیابی شده از [لینک](#)

شهبازی، م. ت. (۱۳۹۳). ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای در نهاوند. مجله فرهنگان، ۴۳، ۱۴۶-۱۵۴.